

امورات کافی نت و گیم نت رفتنم نمی گذره، به هر بدبختی بود یه کار برا خودم دست و پا کردم. فروشنده بوتیک لباس فروشی! ماهی ۶۰ هزار تومن با صاحب بوتیک طی کردیم. ولی عجب روزگاری شده! دخل و خرج آدمها اصلاً بهم نمی خوره! این حقوقی که قراره بگیرم، به زور و زحمت فقط کفاف کافی نت و گیم نت رفتنم رو می ده!

از این هفته فقط شبها وقت دارم برم کافی نت یا گیم نت. کافی نت که درجه اعتیادش خیلی بالاتر از گیم نت! فعلاً تصمیم دارم فقط گیم نت برم. این بار تو گیم نت با «فرید شوماخر» آشنا شدم. متخصص بازی Need for speed. عجب بازی نفّسیه این ماشین (Need for speed)! افسوس می خورم که چرا تا حالا کشفش نکرده بودم.

هفته دوم مرداد: این Need for speed بدجوری به آدم انرژی مثبت می ده! عجب تحرکیه! روز دوم این هفته بود که دیگه نتونستم طاقت بیارم و با طراحی یه نقشه حساب شده ماشین بابا رو دودر کردم تا هنر خودمو در رانندگی تو عالم واقعی هم به عرصه نمایش بذارم... این ماشین بابا هم که راه نمی ره... همش ۱۲۰ تا! روز سوم هم به همون منوال گذشت.

روز چهارم هفته: این کمپانی های ماشین سازی هم کشتن خودشونو با این ماشین ساختنشون! ترمز نمی گیره که! هرکاری کردم ماشین نره تو دیوار، نشد که نشد! عجب دسته گلی به آب دادم! جلو و عقب ماشین با هم یکی شد! من که سر در نیاوردم! توی بازی که این جور می شد! با ۱۵۰ تا سرعت هم که ترمز می زدی ماشین میخکوب می شد. حالا ترمز ماشین بابای ما ۱۲۰ تا رو هم حریف نشد! ولی خودمونیم، دیگه روم نمی شه تو چشای بابا نگاه کنیم! کاش یه چیزی می گفت. کاش یه تشری می یومد. اما یه چیزی گفت که از صدا تا بدویراه هم برام بدتر بود: این چه تفریحیه که برای شما اوقات فراغت و برای ما اوقات ذلالت!

اما نه توی گیم نت! جمشید خفن، همسایه واحد بالایی مون می گه: گیم نت خیلی خرجش بالاست... در عوض کافی نت، هم ارزون تر تموم می شه و هم حالش بیشتره....

این هفته رو به پیشنهاد جمشید خفن عازم کافی نت شدیم. جمشید ظرف نیم ساعت منو با اصول «چت» آشنا کرد و هلمون داد تو دریای اینترنت! عجب چیزست این اینترنت! چرا تا حالا کشفش نکرده بودم! این کشف بزرگ رو مدیون جمشید خفن هستم! روز دوم کافی نت، یک فروند ID برای خودم دست و پا کردم، و تا تونستم chat کردم.

یه روز خودمو مهندس معماری معرفی می کردم و روز بعد دانشجوی بورسیه خارج از کشور... بین خودمون بمونه، ولی طی این یک هفته ۱۵-۱۰ تا GF دست و پا کردم!

این کافی نت درجه اعتیادش دوبرابر گیم نت! آدم رو عین زالو می چسبونه رو صندلی کامپیوتر! عجب پدیده ای بوده این کافی نت و چه غفلتی داشتم در شناخت اون!

هفته چهارم تیرماه: به کلی دچار پدیده فقر شدم و بدجوری دارم با فقر دست و پنجه نرم می کنم!

دوستان تومن هم تو جیبمون پیدا نمی شه، بریم ON_OF هایمان رو چک کنیم!

به هر ترفندی بود مخ ناصر (پسر همسایه واحد طبقه پایینی) رو ریختم تو فرغون و ۲-۳ هزار تومان ازش قرض کردم و جلدی پریدم تو کافی نت... اما مسئول کافی نت گفت: شما ۴ هزار تومن حساب دفتری داری! برو هزار تومن دیگه هم بیار تا حسابت صاف بشه!

یادم رفته بود بگم... این اواخر که پول نداشتم و بدجوری اسیر chat شده بودم شناسنامه ام رو پیش مدیر کافی نت گرو گذاشته بودم! هنوز ۱۰۰۰ تومن بهش بدهکارم....

هفته اول مرداد: دیدم با پول تو جیبی هایی که از بابا می گیرم،

هفته اول تیر رو به پیشنهاد «ساتیار» تو گیم نت سر کوجه سپری کردیم. ساتیار، معروف به «ساتی هود» فقط همین یه دونه بازی رو بلده (نور هود و بزرگ) ترین هدف زندگیش اینه که یه بار دیگه بتونه بازی رو تا آخرش بره!

طی این یه هفته منم روش ساتیار رو در پیش گرفتم و فقط «تور هود» رو بازی کردم. عجب چیزست این گیم نت! اولش که وارد گیم نت می شی (برای اولین بار توی عمرت!) عمراً فکرشو نمی کنی روزی برسه که معتادش بشی! اما همون دفعه اول برای آلوده شدنت کافیه!

ساتیار می گه: حاضریم یک هفته بدون شام سر رو بالش بذارم، ولی بدون همه پولایی که طی ۲-۳ ماه اخیر پس انداز کرده بودم آخر هفته ته کشیدا واسه همین ۲-۳ روزی تو ترک بودم!

هفته دوم تیرماه: اوایل هفته دوم تیرماه که طبق معمول با «ساتی هود» رفته بودیم تو نخ نور هود، با «کاکا دیوید» آشنا شدم. کاکا دیوید یا همون کامیار متخصص بازی های فیکاست و دیوید دیوید بکهام! با هر تیمی که بازی کنه، بکهامو تو اون تیم می ذاره! تنها هدفی هم که تو زندگی فعلیش داره اینه که از نیمه زمین خودی، با دیوید بکهام به تیم مقابل گل بزنه. اون هم با ضربه ایستگاهی!

آشنایی با کامیار کار خودشو کرد و فقط چند ساعت پی از آشنایی با این چهره برجسته گیم (!)، نور هود رو به ساتی هود سپردم و به جرگه شاگردان کاکا دیوید ملحق شدم. دو روز طول کشید تا «کاکا دیوید» بتونه حالیم کنه که دارم به تیم خودمون گل می زنم! کاکا می گه: هر کی با fifa عجین بشه، پشت کامپیوتر تخم می کنه! و دیگه بلند شدنش جزء محالات زندگیه!

من این حرف «کاکا دیوید» رو اصلاح می کنم: تنها در صورتی شخص تخم کرده پشت کامپیوتر، از جاش بلند می شه که پولاش تموم شده باشه و چوب خطش هم پر شده باشه!

هفته سوم تیرماه: عجب زالویی ست این گیم! هرچی پول داشتم از جیبم کشیدا! پول توجیبی یک ماه بعد رو هم پیش پیش گرفتم و کمپلت ریختم تو حلقوم گیم نت! دیگه نه بابا بهم پول می ده، نه مامان....

این هفته رو به دلیل فقر شدید مالی با چندرغاز پولی که از خواهرم قرض گرفته بودم سپری کردم!

گیم نت
کافی نت
و مکانیسم
غنی سازی اوقات فراغت

